

نقش واسطه‌ای بی‌اشتیاقی اخلاقی در رابطه بین صفات تاریک شخصیت و استعداد خیانت زناشویی □

Mediating Effect of Moral Disengagement on the Relationship between Dark Traits of Personality and Infidelity Tendency □

Sajjad Basharpour, PhD
Mir Nader Miri, MSc □

دکتر سجاد بشرپور*
میرنادر میری*

Abstract

This study aimed to investigate the relationship between dark traits of personality with infidelity tendency and role of moral disengagement as a mediator. Hence, 204 individuals, were selected by means of multistage cluster sampling from district 8 in Tehran and completed The Dark Triad Personality Questionnaire (Jonson and Webster, 2010), Moral Disengagement Questionnaire (Bandura, 1995), and Infidelity Tendency Questionnaire (Polat, 2006). Data were analyzed using the correlation coefficient and regression analysis. Findings from analysis showed that each of dark traits of personality had significant correlation with moral disengagement and infidelity tendency variables and also moral disengagement had a significant correlation with infidelity tendency. On the other hand, traits of Narcissism and Machiavellianism in addition to direct effect by moral disengagement have indirect effect over infidelity tendency. Finally, according to findings, it can be expressed that infidelity tendency the relation between traits of Narcissism and Machiavellianism with infidelity tendency plays a mediating role.

Keywords: dark traits of personality, moral disengagement, infidelity tendency

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه صفات تاریک شخصیت با استعداد خیانت زناشویی و نقش بی‌اشتیاقی اخلاقی به‌عنوان یک متغیر واسطه انجام شد. بدین منظور، ۲۰۴ نفر از منطقه ۸ تهران به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه استعداد خیانت زناشویی پولات (۲۰۰۶)، پرسشنامه صفات تاریک شخصیت جانسون و وبستر (۲۰۱۰) و پرسشنامه بی‌اشتیاقی اخلاقی بندورا (۱۹۹۵) را تکمیل نمودند. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون انجام گرفت. تحلیل یافته‌ها نشان داد هر یک از صفات تاریک شخصیت همبستگی معنادار با متغیرهای بی‌اشتیاقی اخلاقی و استعداد خیانت زناشویی دارند و همچنین بی‌اشتیاقی اخلاقی همبستگی معنادار با استعداد خیانت زناشویی دارد. از سوی دیگر، صفات خودشیفتگی و ماکیاوول‌گرایی علاوه بر اثر مستقیم، به واسطه بی‌اشتیاقی اخلاقی بر استعداد خیانت زناشویی تأثیر غیرمستقیم دارد. در نهایت، با توجه به یافته‌ها می‌توان بیان کرد که بی‌اشتیاقی اخلاقی در رابطه بین صفات خودشیفتگی و ماکیاوول‌گرایی با استعداد خیانت زناشویی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

کلید واژه‌ها: صفات تاریک شخصیت، بی‌اشتیاقی اخلاقی، استعداد خیانت زناشویی

□ Department of Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, I. R. Iran.
□ Email: nadermiri@yahoo.com

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۶/۵
* گروه روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل

● مقدمه

خانواده در زمره مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج شکل گرفته و به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و نیز کانون رشد و تکامل اعضایش می‌باشد. ازدواج پیوند جنسی و عاشقانه بین دو نفر می‌باشد. اما این انحصار جنسی یا عاشقانه تضمین شده نیست. یکی از علت‌ها یا مواردی که باعث می‌شود نهاد خانواده و ازدواج نتواند کارکردهای خود را به‌منصه ظهور برساند «خیانت زناشویی» می‌باشد. خیانت زناشویی شامل برقراری ارتباط جنسی یا عاطفی یک فرد متأهل با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده می‌باشد (مؤمنی و شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۰؛ رفیعی، حاتمی و فروغی، ۱۳۹۰). امروزه طبق قراین و آمارهای غیررسمی، خیانت زناشویی رخدادی شایع بوده و به‌صورت نگران‌کننده‌ای به یکی از آسیب‌های اجتماعی جامعه تبدیل شده است (فتحی، فکر آزاد، غفاری و بولهری، ۱۳۹۲) و علی‌رغم پیامدهای ناگوار فردی، نظیر سردرگمی، خشم، افسردگی، کاهش اعتمادبه‌نفس در مسائل شخصی و جنسی و ... (چانگ، ۱۹۹۹، لوین، ۱۹۹۸ به نقل از استفانو و اولا، ۲۰۰۸)، برای خانواده نیز مسائلی نظیر طلاق و ازهم‌پاشیدگی خانواده، تضعیف عملکرد در نقش‌های والدینی در پی داشته (کانو و اولیری، ۱۹۹۷ به نقل از استفانو و اولا، ۲۰۰۸؛ شکلفورد، ۲۰۰۸؛ شکلفورد و باس، ۱۹۹۷) و حتی مشکلات دیگری برای جامعه از جمله مشکلات شغلی و خودکشی و همسرکشی به بار می‌آورد (شکلفورد، باس و ویکز-شکلفورد، ۲۰۰۳؛ هنرپوران، ۱۳۹۳).

اگرچه هیچ آماری در ارتباط با میزان شیوع خیانت زناشویی در کشور منتشر نشده اما بعضی تحقیقات در درون خود به این مسئله اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال کشاورز آقامحمدی (۱۳۸۷) در مطالعه خود در خصوص پدیده همسرکشی در ۱۵ استان نشان داد که ۶۷ درصد، مربوط به قتل زنان بوده است که به دلیل خیانت و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. بررسی‌های علمی جهت شناسایی عوامل مرتبط با این مسئله و پیامدهای آن در جامعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در کشورهای مختلف در خصوص علل و عوامل به وجود آورنده خیانت زناشویی و روش‌های درمان و پیشگیری آن تحقیقات مختلفی صورت گرفته است و این در حالی است که به دلیل حساسیت زیاد، عدم دسترسی آسان به افراد، واکنش شدید جامعه و قوانین نسبت به عاملان، در داخل کشور پژوهش‌های انجام‌گرفته در

این زمینه ناکافی می‌باشد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲).

احتمال اینکه فرد مرتکب خیانت شود با بسیاری از متغیرها ارتباط دارد. یکی از این متغیرها «صفات تاریک شخصیت»^۱ افراد می‌باشد (برور، هانت، جیمز و ابل، ۲۰۱۵؛ برور و ابل، ۲۰۱۵؛ جونز و ویزر، ۲۰۱۴؛ آدامز، لووانو و جانسون، ۲۰۱۴؛ ویسر، پوزبن، بوگرت و اشتون، ۲۰۱۰؛ جانسون، ویستر و اسمیت، ۲۰۰۹). از نظر کتل، شخصیت فرد را می‌توان به صورت الگویی از صفات در نظر گرفت و این صفات عناصر اصلی شخصیت است و به منظور پیش‌بینی رفتار اهمیت دارد. از دیدگاه غزالی، صفت خصوصیت برجسته یک فرد است که رفتار او را در موقعیتهای گوناگون تعیین می‌کند. از نظر وی، بهنجاری و نابهنجاری شخصیت بر مبنای صفات قابل اندازه‌گیری است (شجاعی، ۱۳۸۸). هم‌زمان با پیشرفت صنعت و فناوری، اختلال‌های روانی افزایش چشم‌گیری یافته که از مهم‌ترین اختلال‌های روانی می‌توان به اختلال‌های شخصیت اشاره کرد (اولسینار، آکار، دمیر و دمیرحان، ۲۰۱۲). اختلال شخصیت یک الگوی پایدار از تجربه رفتار شخصی است که آشکارا با انتظارات اجتماعی و فرهنگی مغایرت دارد. بر اساس ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، اختلال‌های شخصیت به سه خوشه کلی A، B و C تقسیم می‌شوند که صفات تاریک شخصیت بخش اصلی اختلال‌های شخصیت خوشه B می‌باشد (بادبره و زینالی، ۱۳۹۵).

«دیدگاه وحدت»^۲ بر این نظر است که «صفت تاریک» انعکاس‌دهنده یک صفت کلی تاریک شخصیت می‌باشد درحالی‌که از دیدگاه منحصر به فرد این صفات ابعاد مجزایی را تشکیل می‌دهند (روتمن و کلار، ۲۰۱۲). صفات تاریک شخصیت شامل «خودشیفتگی»، «ماکیاول گرای» و «جامعه‌ستیزی»^۳ می‌باشد. این سه صفت با یکدیگر همپوشانی دارند اما به لحاظ تجربی و مفهومی از یکدیگر متمایز هستند (جونز و ویزر، ۲۰۱۴). احساسات خودبزرگ‌بینی، برتری نسبت به دیگران و نیاز به تحسین از جمله ویژگی‌های صفت خودشیفتگی می‌باشد (روتمن و کلار، ۲۰۱۲؛ بشر پور، ۱۳۹۴). افراد دارای این صفت شخصیتی، تمایل دارند خود را به عنوان افرادی هوشمند، قدرتمند، جذاب و منحصر به فرد نشان دهند (سامنر، بیرز، بوچور و پارک، ۲۰۱۲). «ماکیاول گرای» به عنوان یک صفت شخصیت با نگرش‌های بدگمانی و بی‌اعتمادی و ناتوانی در تشخیص هیجان‌های دیگران مشخص می‌شود. این افراد حتی در موقعیت‌های هیجانی، کاملاً خونسرد و بی‌احساس هستند و تحت تأثیر برانگیختگی‌های

Archive of SID

دیگران قرار ندارند (بشرپور، ۱۳۹۴؛ روتمن و کلار، ۲۰۱۲). روانشناسان، «جامعه‌ستیزی» را به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارها و هیجان‌های ضداجتماعی نظیر پشیمانی پایین، همدلی ضعیف، دروغ‌گفتن، پرخاشگری و بی‌مسئولیت تعریف می‌کنند (بشرپور، ۱۳۹۴؛ روتمن و کلار، ۲۰۱۲؛ سامنر، بیرز، بوچور و پارک، ۲۰۱۲). جامعه‌ستیزی از این نظر که میزان آن در بین زنان و مردان متفاوت است، کاملاً با صفات دیگر سه صفت تاریک شخصیت متفاوت است (بشرپور، ۱۳۹۴). به دلیل وجود ویژگی‌های مطرح‌شده، صفات تاریک شخصیت با روابط باکیفیت پایین به عبارتی با میزان صمیمیت و تعهد کم رابطه دارد (علی و کامرو-پرمیوزیک، ۲۰۱۰) که احتمال درگیر شدن در رفتارهای خیانت زناشویی را افزایش می‌دهد. از آنجاکه طبق تحقیقات انجام‌گرفته، صفات تاریک شخصیت باخیانت زناشویی ارتباط دارد به نظر می‌رسد که این افراد اشتیاق کمتری به اصول اخلاقی داشته باشند. ایگان، هوگز، پالمیر (۲۰۱۵) و جونز، وودمن، بارلو و رابرت (۲۰۱۶) در تحقیقاتشان به این نتیجه رسیده‌اند که بین صفات تاریک شخصیت و «بی‌اشتیاقی اخلاقی»^۴ رابطه وجود دارد. مور، دیترت، تروینو، بیکر و مایر (۲۰۱۲) با بررسی «ماکیاول‌گرایی» در مطالعه بی‌اشتیاقی اخلاقی در موقعیت‌های شغلی، به این نتیجه رسیدند که این متغیر با بی‌اشتیاقی اخلاقی ارتباط دارد. بی‌اشتیاقی اخلاقی نظریه‌ای است که توسط بندورا (۱۹۹۰) مطرح‌شده است و بر پایه ۸ سازوکار شناختی قرار دارد که به افراد اجازه می‌دهد تا در رفتارهایی درگیر شوند که معیارهای اخلاقی را نقض می‌کند (راجرز، ۲۰۰۱). به‌عبارت‌دیگر، اگر کسی نسبت به معیارهای اخلاقی بی‌اشتیاق باشد، راحت‌تر می‌تواند درگیر رفتارهایی شود که معمولاً غیراخلاقی هستند (ایگان و همکاران، ۲۰۱۵). مور (۲۰۱۵) بیان کرده است که بی‌اشتیاقی اخلاقی اگر به‌عنوان یک صفت در نظر گرفته شود یک متغیر تعدیل‌کننده و اگر به‌عنوان یک فرایند در نظر گرفته شود یک متغیر واسط خواهد بود. مطابق با مبانی نظری، بی‌اشتیاقی اخلاقی یک صفت ثابت نیست، بلکه یک فرایند و جهت‌گیری شناختی نسبت به جهان است که با گذر زمان رشد می‌کند (مور، ۲۰۰۸).

با توجه به اهمیت مسئله خیانت زناشویی مخصوصاً در جامعه ایران، که برای خانواده ارزش زیادی قائل است و وجود رابطه خارج از پیوند زناشویی را، بی‌اشتیاقی دانسته و نگاه منفی به آن دارد و همچنین صفات تاریک شخصیت و بی‌اشتیاقی اخلاقی که می‌توانند منجر

Archive of SID

به بروز این مسئله شوند، مطالعه حاضر به تعیین رابطه مستقیم و غیرمستقیم سه صفت تاریک شخصیت با خیانت زناشویی با نقش واسطه‌ای بی‌اشتیاقی اخلاقی می‌پردازد. این مطالعه به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که: آیا سه صفت تاریک شخصیت با استعداد خیانت زناشویی رابطه دارد؟ آیا سه صفت تاریک شخصیت با بی‌اشتیاقی اخلاقی رابطه دارد؟ آیا بی‌اشتیاقی اخلاقی با استعداد خیانت زناشویی رابطه دارد؟ و در نهایت اینکه آیا صفات تاریک شخصیت از طریق بی‌اشتیاقی اخلاقی بر استعداد خیانت زناشویی تأثیر دارد؟

● روش

پژوهش حاضر در چارچوب طرح غیرآزمایشی، از نوع همبستگی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. «جامعه آماری» مطالعه «زنان و مردان متأهل شاغل (۲۰ به بالاتر) منطقه ۸ شهر تهران در سال ۱۳۹۵» بوده است. حجم نمونه شامل ۲۰۴ نفر می‌باشد که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شدند. حجم نمونه در پژوهش حاضر بر اساس مطالعات کلاین (۲۰۰۵) انتخاب شده است. بر اساس دیدگاه کلاین حجم نمونه در پژوهش همبستگی بر اساس حاصلضرب هر ماده در ۲/۵ به دست می‌آید.

● ابزار

□ الف: پرسشنامه استعداد خیانت زناشویی^۵: این ابزار توسط پولات (۲۰۰۶) برای ارزیابی استعداد خیانت زناشویی در روابط عاشقانه ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۸ مورد آن گرایش مثبت نسبت به خیانت زناشویی و ۱۲ مورد گرایش منفی را می‌سنجد. آزمودنی هر یک از این ماده‌ها را در مقیاس لیکرت ۵ نقطه از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) درجه‌بندی می‌کند. نمره بالا نشان‌دهنده بیشتر بودن این مقیاس در فرد است. ضرایب اعتبار و روایی این آزمون مطلوب گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ این آزمون در نمونه مطالعه حاضر ۰/۸۸ به دست آمد.

□ ب: پرسشنامه سه صفت تاریک شخصیت^۶: توسط جانسون و وبستر (۲۰۱۰) ساخته شده و شامل ۱۲ سؤال است که سه صفت تاریک ماکیاولگرایی، جامعه ستیزی و خودشیفتگی را می‌سنجد. سؤالات شماره ۱ تا ۴ شخصیت ماکیاولگرایی، ۵ تا ۸ شخصیت خودشیفته و ۹ تا ۱۲ شخصیت جامعه ستیزی را اندازه می‌گیرند. آزمودنی‌ها به سؤالات

Archive of SID

این آزمون در مقیاس لیکرت ۹ نقطه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۹ (کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهند که نمره بالا نشان‌دهنده بیشتر بودن آن صفت در فرد است. ضریب اعتبار این مقیاس به‌وسیله آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس‌های ماکیاو لگرایی ۰/۸۴، خودشیفته ۰/۷۷ و جامعه‌ستیزی ۰/۷۵ بود. این مقیاس در ایران توسط بشرپور و شعیبی اعتباریابی شده است.

□ ج: پرسشنامه بی‌اشتیاقی اخلاقی^۷: توسط بندورا (۱۹۹۵) مطرح شده است که شامل ۳۲ ماده می‌باشد که ۸ سازوکار بی‌اشتیاقی اخلاقی را می‌سنجد. هرکدام از این سازوکارها دارای ۴ ماده بوده و عبارت‌اند از: «توجیه اخلاقی» (رفتار قابل سرزنش برای دستیابی به اهداف بالاتر توجیه می‌شود) با ماده‌های شماره ۱، ۹، ۱۷ و ۲۵؛ زبان «حسن تعبیر» (احیای رفتار از طریق دادن برچسب دوباره به آن) با ماده‌های ۲، ۱۰، ۱۸ و ۲۶؛ «مقایسه سودمند» (مقایسه با رفتارهای بدتر و افراطی، بدین منظور که رفتار اولیه کمتر زشت و مضر به نظر برسد) با ماده‌های ۳، ۱۱، ۱۹ و ۲۷؛ «جابجایی مسئولیت» (افراد خود را مسئول کارها نمی‌بینند و بنابراین از سرزنش و انتقاد خودشان چشم می‌پوشند) با ماده‌های ۵، ۱۳، ۲۱ و ۲۹؛ «تقسیم مسئولیت» (اغلب در کار گروهی؛ زمانی که همه مسئول هستند، اما در واقع هیچ‌کس احساس مسئولیت نمی‌کند) با ماده‌های ۴، ۱۲، ۲۰ و ۲۸؛ «تحریف پیامدها» (تضعیف کردن و یا طفره رفتن از پیامدها به ۲ دلیل ۱) نداشتن پیامدها ۲) انجام آن به خاطر منافع شخصی خود) با ماده‌های ۶، ۱۴، ۲۲ و ۳۰؛ «نسبت دادن سرزنش» (افراد خودشان را بی‌گناه می‌دانند و یا قربانیانی که مجبور به انجام رفتار مخرب شده‌اند) با ماده‌های ۸، ۱۶، ۲۴ و ۳۲؛ و «رفتارهای غیرانسانی» (بدنام کردن دریافت‌کنندگان بدرفتاری با سرزنش کردن و کاهش ارزش آنها) با ماده‌های ۷، ۱۵، ۲۳ و ۳۱ مشخص می‌شوند. آزمودنی‌ها به سؤالات این آزمون در مقیاس لیکرت ۵ نقطه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهند. سطح بالاتر شاخص نشان‌دهنده سطح بالاتر بی‌اشتیاقی اخلاقی می‌باشد (مکنتولی، ۲۰۱۴: ۱۹؛ بندورا، باربرنلی، کپرا و پسترولی، ۱۹۹۶) ضریب اعتبار این پرسشنامه ۰/۹۱ و برای خرده مقیاس‌های توجیه اخلاقی ۰/۷۵، زبان حسن تعبیر ۰/۷۶ و مقایسه سودمند ۰/۸۴، انتشار مسئولیت ۰/۷۳، جابجایی مسئولیت ۰/۷۷، پیامدهای تحریف ۰/۷۶، رفتارهای ضد انسانی ۰/۷۹ و نسبت دادن سرزنش ۰/۷۴ بود.

● یافته‌ها

اطلاعات به‌دست‌آمده نشان می‌دهد ۵۴ درصد از کل حجم نمونه را مردان و ۴۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی کل اعضای نمونه ۳۹ سال می‌باشد. میانگین سنی به تفکیک برای مردان ۴۱ سال و برای زنان ۳۶ سال است. به‌طور متوسط اعضای نمونه حدود ۱۴ سال زندگی مشترک را تجربه کرده‌اند. در بین مقاطع تحصیلی مقطع کارشناسی بیشترین فراوانی ۷۲ نفر (۳۵ درصد) را دارا می‌باشد.

برای بررسی نقش واسطه‌ای «بی‌اشتیاقی اخلاقی» و نیز برای اطمینان از نتایج، از دستورالعمل *سرمه* که برگرفته از چارچوب مک آرتور (۲۰۰۰) می‌باشد و همچنین دستورالعمل *بارون* و *کنی* (۱۹۸۶) استفاده شد. برحسب دستورالعمل *سرمه*، ابتدا بین متغیرها همبستگی مرتبه صفر گرفته و اگر همبستگی معنادار باشد آنگاه از رگرسیون چندمتغیره استفاده می‌شود. برحسب دستورالعمل *بارون* و *کنی*، بجای همبستگی از رگرسیون استفاده می‌شود که در هر دو صورت باید میزان همبستگی یا رابطه متغیرهای مستقل با وابسته، با ورود متغیر واسطه کاهش یابد یا حذف شود.

جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در این جدول همبستگی بی‌اشتیاقی اخلاقی و استعداد خیانت زناشویی (۰/۴۳) و همبستگی بین خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی با استعداد خیانت زناشویی به ترتیب ۰/۳۱، ۰/۲۳ و ۰/۳۹ می‌باشد. همبستگی این سه صفت با بی‌اشتیاقی اخلاقی نیز به ترتیب ۰/۳۶، ۰/۳۱ و ۰/۴۱ می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، رابطه تمامی این متغیرها در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین شروط اول، دوم و سوم از دستورالعمل *سرمه* (و چارچوب مک آرتور) برقرار است و می‌توان از رگرسیون چندگانه استفاده کرد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
خودشیفتگی	۱			
جامعه‌ستیزی	** ۰/۳۳	۱		
ماکیاول‌گرایی	** ۰/۵۱	** ۰/۳۳	۱	
بی‌اشتیاقی اخلاقی	** ۰/۳۶	** ۰/۳۱	** ۰/۴۱	۱
استعداد خیانت زناشویی	** ۰/۳۱	** ۰/۲۳	** ۰/۳۹	** ۰/۴۳

** p < 0/01

Archive of SID

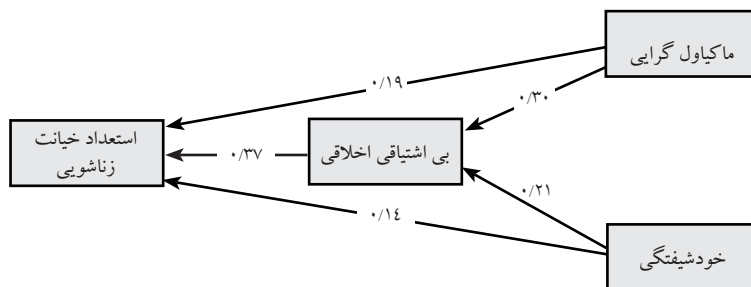
در رگرسیون برای آزمون مدل واسطه‌ای، از دو مرحله استفاده شده است. در گام اول، «صفات تاریک شخصیت» وارد مدل شده و رابطه آنها با استعداد خیانت زناشویی بررسی می‌شود. در گام دوم متغیر واسطه‌ای یا بی‌اشتیاقی اخلاقی همراه با صفات تاریک شخصیت وارد مدل می‌شود.

جدول ۲. نتایج رگرسیون چندگانه بین متغیرهای پژوهش

مدل ۲			مدل ۱			متغیرهای پیش بین
Sig	B	B	Sig	B	B	
۰/۵۷۲	۰/۰۴۱	۰/۱۱۴	۰/۳۲۳	۰/۰۷۴	۰/۲۰۵	جامعه ستیزی
۰/۰۲۵	۰/۱۴۰	۰/۳۲۰	۰/۰۰۵	۰/۲۱۱	۰/۵۱۰	خودشیفتگی
۰/۰۰۵	۰/۱۹۲	۰/۷۰۴	۰/۰۰۰	۰/۳۰۰	۰/۹۱۸	ماکیاول‌گرایی
۰/۰۰۰	۰/۳۷۰	۰/۲۹۰				بی‌اشتیاقی اخلاقی
	۰/۵۱۵			۰/۴۲۱		R
	۰/۲۶۵			۰/۱۷۸		R ^۲
	۰/۲۵۰			۰/۱۶۶		R ^۲ تعدیل شده
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		سطح معناداری

طبق جدول رگرسیون، در مدل ۱ تأثیر صفات تاریک شخصیت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که صفت خودشیفتگی با ضریب بتای (۰/۲۱) و ماکیاول‌گرایی با ضریب بتای (۰/۳۰) در مدل باقی‌مانده‌اند. ضریب تعیین ۰/۱۷۸ نشان می‌دهد که ۱۸ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای باقی‌مانده در مدل تبیین می‌شود. در مدل ۲ متغیر بی‌اشتیاقی اخلاقی همراه با صفات تاریک شخصیت وارد مدل شد. در این مدل، صفات خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی و بی‌اشتیاقی اخلاقی به ترتیب با ضریب بتای ۰/۱۴-، ۰/۱۹ و ۰/۳۳ رابطه معناداری با متغیر وابسته نشان دادند. ضریب همبستگی چندگانه در این مدل برابر با ۰/۵۱ است که بیانگر رابطه مثبت متغیرهای مستقل با وابسته است. ضریب تعیین برابر با ۰/۲۶ بیانگر این است که ۲۶ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی و بی‌اشتیاقی اخلاقی تبیین می‌شود. این اطلاعات کمک می‌کنند تا رابطه سه صفت تاریک شخصیت با استعداد خیانت زناشویی ابتدا به‌طور مستقل و سپس با همراهی متغیر بی‌اشتیاقی اخلاقی بررسی شود. نتایج تأیید می‌کنند که بین صفات خودشیفتگی و ماکیاول‌گرایی با استعداد خیانت زناشویی نه تنها رابطه معنادار وجود دارد بلکه با ورود متغیر واسطه‌ای، این رابطه کاهش می‌یابد؛ بدین گونه که ضریب بتای

صفات خودشیفتگی از ۰/۲۱ به ۰/۱۴ و ماکیاول‌گرایی از ۰/۳۰ به ۰/۱۹ کاهش یافته است.



شکل ۱. مدل نهایی تحلیل مسیر پس از برآورد ضرایب مسیر

شکل ۱ نشان می‌دهد متغیرهای ماکیاول‌گرایی، خودشیفتگی و بی‌اشتیاقی اخلاقی به‌طور مستقیم بر استعداد خیانت زناشویی تأثیر دارند. صفات خودشیفتگی و ماکیاول‌گرایی علاوه بر اثر مستقیم، از طریق بی‌اشتیاقی اخلاقی به‌طور غیرمستقیم نیز بر متغیر وابسته تأثیرگذار هستند.

● بحث و نتیجه‌گیری

○ هدف از پژوهش حاضر «تعیین رابطه سه صفت تاریک شخصیت با استعداد خیانت زناشویی و نقش بی‌اشتیاقی اخلاقی به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای» می‌باشد. نتایج همبستگی (مربوط به فرضیه اول) نشان داد که سه صفت تاریک شخصیت (جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی و ماکیاول‌گرایی) با استعداد خیانت زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد. بدین گونه که هرچه میزان صفات خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی در افراد بیشتر باشد، استعداد خیانت زناشویی در آنها افزایش می‌یابد و این یافته مؤید ادبیات پیشین تجربی (برور و همکاران، ۲۰۱۵؛ برور و ابل، ۲۰۱۵؛ جونز و ویزر، ۲۰۱۴؛ آدامز و همکاران، ۲۰۱۴؛ ویسر و همکاران، ۲۰۱۰) می‌باشد. در تبیین این مسئله می‌توان گفت که شخصیت مرتبط با خیانت شامل قساوت، فقدان همدلی با نیازها و احساسات دیگران و ضداجتماعی می‌باشد (اسمیت، ۲۰۰۴). این افراد معمولاً افرادی تکانش‌گر هستند که پاداش‌های فوری را ترجیح می‌دهند، به ماجراجویی تمایل دارند و به دنبال حس‌های نو هستند. آنها در روابطشان با دیگران به‌طور عام و با همسرشان به‌طور خاص سعی می‌کنند از آنها سو استفاده و بهره‌کشی کنند و در این زمینه هیچ احساس گناه و اضطرابی نمی‌کنند. این افراد معمولاً به دنبال به حداکثر رساندن

Archive of SID

منافع خود هستند و در روابطشان حتی روابط زناشویی بی‌مسئولیت بوده و از صمیمیت اجتناب می‌کنند. در نتیجه آنها از روابط زناشویی خود رضایت ندارند که باعث می‌شود به دنبال جایگزین بگردند (جونز و ویزر، ۲۰۱۳؛ مککوئین، جانسون و شور، ۱۹۹۴، هر، ۲۰۰۶). لذا این ویژگی‌های شخصیتی باعث می‌شود میزان صمیمیت و تعهد که بر اساس نظریه استرنبرگ دو ضلع مثلث عشق را تشکیل می‌دهد و باعث پایداری رابطه می‌شود، در بین زن و شوهر کاهش یابد. صمیمیت و تعهد نیاز اساسی انسان بوده و از ویژگی‌های مهم ازدواج‌های موفق و طولانی‌مدت است. صمیمیت یک فرایند تعاملی، پویا و ترکیبی است و شامل ابعاد عاطفی، روان‌شناختی، عقلانی، جنسی و بدنی و ... می‌باشد. میزان صمیمیت به توانایی همسران برای انتقال روشن و صحیح افکار، احساسات، نیازها و خواسته‌هایشان بستگی دارد (مهدی پور و صداقتی فرد، ۱۳۹۴). تعهد زناشویی نیز به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل‌اند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند (آماتو، ۲۰۰۴ به نقل از نامنی، عباسی و زارعی، ۱۳۹۴). بر این اساس مشکلات مربوط به صمیمیت و تعهد می‌تواند منجر به شکست در روابط شده و در نتیجه امکان خیانت به طرف مقابل افزایش یابد (مهدی پور و صداقتی فرد، ۱۳۹۴).

○ نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که سه صفت تاریک شخصیت با بی‌اشتیاقی اخلاقی رابطه مثبت و معناداری دارد. بدین گونه که هر چه میزان خودشیفتگی، جامعه ستیزی و ماکیاول‌گرایی در افراد بیشتر باشد، میزان بی‌اشتیاقی اخلاقی نیز در آنها افزایش می‌یابد و این همسو با یافته‌های پیشینه پژوهشی (جونز و همکاران، ۲۰۱۶؛ ایگان و همکاران، ۲۰۱۵؛ مور و همکاران، ۲۰۱۲) است. هر سه این صفت نوعی اختلال شخصیت می‌باشند. در افرادی که دچار اختلال شخصیت هستند آگاهی و دید واقع بینانه کاهش می‌یابد و آنها نمی‌توانند خیر و شر یا نیکی و بدی را درک کنند به عبارت دیگر در این افراد که وجدان اخلاقی ضعیف بوده و به حقوق دیگران توجهی ندارند می‌توان گفت که میزان تعهد اخلاقی و هوش اخلاقی پایین است و بنا به گفته بندورا این افراد از سازوکارهای بی‌اشتیاقی اخلاقی برای توجیه کارها و رفتارهایشان استفاده می‌کنند. یکی از ابعاد مهم تعهد زناشویی، تعهد اخلاقی می‌باشد که توسط محققان مختلف، تحت عناوین مختلف نظیر التزام اخلاقی و تعهد نسبت به ازدواج ارائه و تبیین شده است. بسیاری از مدل‌های نظری تعهد، بر این عقیده‌اند که تعهد اخلاقی

مبتنی است بر یک احساس وفاداری اخلاقی به ازدواج و رابطه زناشویی و این عقیده که ازدواج یک نهاد مقدس است؛ نهادی که وفاداری و پایبندی به آن، ارزش شناخته می‌شود (عباسی مولید، فاتحی زاده و قمرانی، ۱۳۹۲). همچنین، هوش اخلاقی نشان‌دهنده اشتیاق و توانایی افراد برای قرار دادن معیارهایی برتر و فراتر از منافع خود است. همچنین عامل یاری‌دهنده در تبدیل شدن انسان به انسانی خوب و شایسته یا به عبارتی انسانی اخلاق مدار است (قزوینی، خدابخشی، منصور و خوش کنش، ۱۳۹۴). با توجه به مطالب مطرح شده، ویژگی‌های یا خصوصیات شخصیتی افرادی که دارای صفات تاریک شخصیتی هستند، باعث می‌شوند میزان وفاداری اخلاقی به پیوند زناشویی و همچنین اشتیاقشان برای رعایت اصول اخلاقی کاهش یابد.

○ نتایج فرضیه سوم نشان داد که بی‌اشتیاقی اخلاقی با استعداد خیانت زناشویی رابطه دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان بی‌اشتیاقی اخلاقی در افراد بیشتر باشد، میزان استعداد خیانت زناشویی در آنها افزایش می‌یابد. در تبیین می‌توان گفت که بر اساس «نظریه خودمهارگری»^۸ گات فردسون و هیرشی (۱۹۹۰)، افراد با درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، خود را در مقابل رفتارهای انحرافی مصون می‌کنند. از نظر آنها افرادی که دارای خودمهارگری قوی هستند می‌توانند در برابر خوشنودی ناشی از انحراف مقاومت کنند بالعکس، خودمهارگری ضعیف باعث رفتارهای منحرفانه از جمله روابط جنسی می‌گردد. بنا به نظر گات فردسون و هیرشی، افرادی که دارای خودمهارگری ضعیف هستند دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشند: تکانشی و آنی بودن، جهت‌گیری خودمحورانه درباره‌ی علایق دیگران، رفتارهای مخاطره جویانه و ناشکیبایی به علت کم‌تحملی در برابر ناکامی‌ها (علیوردی‌نیا، شارع پور و مرادی، ۱۳۹۱). این ویژگی‌ها توسط پژوهشگران، برای افرادی که دارای صفات تاریک شخصیتی هستند نیز مطرح شده است. گات و فردسون معتقدند به خاطر همین ویژگی‌ها، این افراد به اعمال انحرافی دست می‌زنند. همچنین مطابق با نظر بندورا (۱۹۹۰)، افرادی که نسبت به معیارهای اخلاقی بی‌اشتیاق هستند و در خود تمایلی به رعایت هنجارها، قوانین، ارزش‌ها و اخلاق جامعه خود نمی‌بینند، راحت‌تر می‌توانند درگیر رفتارهایی شوند که معمولاً غیراخلاقی هستند (ایگان و همکاران، ۲۰۱۵) و خیانت زناشویی یکی از مصادیق این رفتارهای غیراخلاقی می‌باشد. در کل، اخلاق از عامل‌های اصلی عملکرد محیط خانواده

است و بی‌توجهی به اخلاق در خانواده می‌تواند معضل‌های بزرگی به بار آورد.

○ برای بررسی فرضیه ۴، که بی‌اشتیاقی اخلاقی به‌عنوان متغیر واسطه در نظر گرفته شده از رگرسیون استفاده شد. نتایج رگرسیون در مدل ۱ نشان داد که از بین سه صفت تاریک شخصیت، صفات خودشیفتگی و ماکیاول‌گرایی با متغیر وابسته رابطه معناداری دارند و با ورود متغیر واسطه در مدل ۲ یا به‌عبارت‌دیگر با کنترل متغیر بی‌اشتیاقی اخلاقی میزان این رابطه تغییر می‌کند. در این مدل، ضریب بتای صفات خودشیفتگی از ۰/۲۱ به ۰/۱۴ و ماکیاول‌گرایی از ۰/۳۰ به ۰/۱۹ کاهش یافته است و این نشان می‌دهد که بی‌اشتیاقی اخلاقی در رابطه بین صفات خودشیفتگی و ماکیاول‌گرایی با استعداد خیانت زناشویی نقش واسطه را ایفا می‌کند. هرچه میزان این صفات در افراد بیشتر باشد، میزان بی‌اشتیاقی اخلاقی در آنها افزایش یافته و در نتیجه استعداد خیانت زناشویی در آنها افزایش می‌یابد. همان‌طور که /یگان و همکاران (۲۰۱۴) و جونز و همکاران (۲۰۱۶) بیان کرده‌اند بین صفات تاریک شخصیت و بی‌اشتیاقی اخلاقی رابطه وجود دارد. ویژگی‌های مطرح‌شده برای صفات تاریک شخصیت، مهار درونی را در افراد کاهش داده و باعث می‌شود این افراد کمتر با هنجارهای اجتماعی سازگاری پیدا کنند، این ویژگی‌ها باعث می‌شود که افراد اعمال و افکارشان را بیشتر توجیه کنند و همچنین فرایندهای خودتنظیمی ناسازگارانه در آنها شکل بگیرد و زمینه برای بی‌اشتیاقی اخلاقی مهیا شود. بر اساس نظر گلاسر، برای تداوم رابطه زناشویی افراد باید کنترل بیرونی یعنی کنترل طرف مقابل را کاهش داده و کنترل درونی یا کنترل رفتار خود را افزایش دهند (عباسی مولید و همکاران، ۱۳۹۲). بر اساس نظر بندورا (۱۹۹۰) افرادی که دچار بی‌اشتیاقی اخلاقی هستند تمایل دارند در رفتارهایی درگیر شوند که معیارهای اخلاقی را نقض می‌کند (راجرز، ۲۰۰۱؛ جونز و همکاران، ۲۰۱۶). این افراد از سازوکارهای بی‌اشتیاقی اخلاقی استفاده می‌کنند تا از معیارهای اخلاقی درونی شده سرپیچی کنند و به‌صورت غیراخلاقی رفتار کنند بدون آنکه اثرات منفی نقض معیارهای اخلاقی را تجربه کنند. بر طبق نظر بندورا خیانت زناشویی یکی از رفتارهای غیراخلاقی می‌باشد زیرا برخلاف معیارها و اصول زندگی زناشویی و هنجارهای اجتماعی است و از پیامدهای مسئله‌دار و مسئله‌ساز بی‌اشتیاقی اخلاقی می‌باشد.

○ با توجه به یافته‌های این مطالعه، صفات خودشیفتگی و ماکیاول‌گرایی به دلیل

ویژگی‌هایی که دارند هم به‌طور مستقیم و هم از طریق بی‌اشتیاقی اخلاقی یعنی به‌صورت غیرمستقیم بر خیانت زناشویی تأثیرگذار هستند.



یادداشت‌ها

- | | |
|--------------------------------------|---|
| 1. dark traits of personality | 2. unification perspective |
| 3. psychopathy | 4. moral disengagement |
| 5. Infidelity Tendency Questionnaire | 6. Dark Triad Personality Questionnaire |
| 7. Moral Disengagement Questionnaire | 8. self-control theory |

● منابع

- بادبره، سونیا و زینالی، علی، (۱۳۹۴)، رابطه تجربه‌های سوء رفتار دوره کودکی با صفات سه‌گانه تاریک شخصیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، *دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۱۹(۵)، ۱۱-۱.
- بشری‌پور، سجاد، (۱۳۹۴)، *صفات شخصیت: نظریه و آزمون*، تهران: ساوالان.
- رفیعی، سحر، حاتمی، ابوالفضل و فروغی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، رابطه بین طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه و سبک دل‌بستگی در زنان دارای خیانت زناشویی، *فصلنامه جامعه‌شناسی زنان*، ۲(۱)، ۳۶-۲۱.
- سرمد، زهره، (۱۳۷۸)، *متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌ای: تمایزات مفهومی و راهبردی، پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۰، ۸۱-۶۳.
- شجاعی، محمدصادق، (۱۳۸۸)، *نگاهی به ریشه‌های نظریه صفات شخصیت در اخلاق، مطالعات اسلامی و روانشناسی*، ۳(۴)، ۱۵۳-۱۲۹.
- عباسی مولید، حسین، فاتحی زاده، مریم، قمرانی، امیر، (۱۳۹۲)، تأثیر زوج درمانی گلاسر بر افزایش تعهد اخلاقی زوجین، *مجله بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۰(۲۵)، ۸۰-۵۹.
- علیزاده فرد، سوسن، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه آلکسی تیمیا و بیماری زخم معده: آیا پرخاشگری یک متغیر واسطه‌ای است؟ *روانشناسی سلامت*، ۱(۴)، ۸۳-۷۱.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر، شارع‌پور، محمود و مرادی، فاطمه، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۱(۴)، ۹۷-۶۹.
- عزیزی، شهریار، (۱۳۹۲)، *متغیرهای میانجی، تعدیل‌گر و مداخله‌گر در پژوهش‌های بازاریابی: مفهوم، تفاوت‌ها، آزمون‌ها و رویه‌های آماری، فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین*، ۳(۲)، ۱۷۴-۱۵۵.
- فتحی، منصور، فکر آزاد، حسین، غفاری، غلامرضا و بوالهروی، جعفر، (۱۳۹۲)، عوامل زمینه‌ساز بیوفایی

- زناشویی زنان، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۱)، ۱۳۷-۱۰۹.
- مهدی پور بازکیایی، مونا و صداقتی فرد، مجتبی، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین با سازگاری در خانه، فصلنامه روانشناسی تحلیلی-شناختی، ۶(۲۲)، ۳۱-۲۱.
- مؤمنی جاوید، مهرآور و شعاع کاظمی، مهرانگیز، (۱۳۹۰)، تأثیر روان درمانی زوجینی بر کیفیت زندگی زوجین آسیب دیده از خیانت‌های زناشویی در تهران، مجله پژوهش و سلامت، ۱(۱)، ۶۳-۵۴.
- ناامنی، ابراهیم، عباسی، فاطمه و زارعی، احمد، (۱۳۹۴)، پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۰)، ۱۰۷-۸۷.
- هنرپروران، نازنین، (۱۳۹۳)، بررسی اثربخشی رویکرد پذیرش و تعهد بر بخشش و سازگاری زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر، فصلنامه زن و جامعه، ۵(۲)، ۱۵۰-۱۳۵.
- Adams, H. M., Luevano, V. X., & Jonason, P. K. (2014). Risky business: Willingness to be caught in an extra-pair relationship, relationship experience, and the dark triad. *Personality and Individual Differences, 66*, 204-207.
- Ali, F., & Chamorro-Premuzic, T. (2010). The dark side of love and life satisfaction: Associations with intimate relationships, psychopathy and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences, 48*, 228-233.
- Bandura, A., Barbaranelli, C., Caprara, G. V., & Pastorelli, C. (1996). Mechanisms of moral disengagement in the exercise of moral agency. *Journal of Personality and Social Psychology, 71*(2), 364.
- Brewer, G., & Abell, L. (2015). Machiavellianism and sexual behavior: Motivations, deception and infidelity. *Personality and Individual Differences, 74*, 186-191.
- Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L. (2015). Dark triad traits, infidelity and romantic revenge. *Personality and Individual Differences, 83*, 122-127.
- Egan, V., Hughes, N., & Palmer, E. J. (2015). Moral disengagement, the dark triad, and unethical consumer attitudes. *Personality and Individual Differences, 76*, 123-128.
- Hare, R. D. (2006). Psychopathy: A clinical and forensic overview. *Psychiatric Clinics of North America, 29*, 709-724. doi:10.1016/j.psc.2006.04.007
- Jones, B. D., Woodman, T., Barlow, M., & Roberts, R. (2016). The darker side of personality: Narcissism predicts moral disengagement and antisocial behavior in sport. *The Sport Psychologist, 1-23*.
- Jones, D. N., & Weiser, D. A. (2014). Differential infidelity patterns among the dark triad. *Personality and Individual Differences, 57*, 20-24.
- Jonason, P. K., Li, N. P., Webster, G. D., & Schmitt, D. P. (2009). The dark triad:

Archive of SID

- Facilitating a short-term mating strategy in men. *European Journal of Personality*, 23(1), 5-18.
- McKinnon, D. P. (2008). *Introduction to statistical mediation analysis*. New York: Lawrence Erlbaum Associates.
- McCown, W. G., Johnson, J. L., & Shure, M. B. (1994). *The impulsive client: Theory, research and treatment*. New York: American Psychological Association.
- McNulty, D. (2014). *Predictors of cyberbullying amongst adolescents: The role of empathy, moral disengagement and self-esteem*, Psychology at Dublin Business School, School of Arts, Dublin
- Moore, C. (2015). Moral disengagement. *Current Opinion in Psychology*, 6, 199-204.
- Moore, C., Detert, J. R., Treviño, L. K., Baker, V. L., & Mayer, D. M. (2012). Why employees do bad things: Moral disengagement and unethical organizational behavior. *Personnel Psychology*, 65(1), 1-48
- Moore, C. (2008). Moral disengagement in processes of organizational corruption. *Journal of Business Ethics*, 80(1), 129-139.
- Previti, D., & Amato, P. R. (2004). Is infidelity a cause or a consequence of poor marital quality?. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(2), 217-230.
- Rauthmann, J. F., & Kolar, G. P. (2012). How “dark” are the Dark Triad traits? Examining the perceived darkness of narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Personality and Individual Differences*, 53(7), 884-889.
- Rogers, M. K. (2001). *A social learning theory and moral disengagement analysis of criminal computer behavior: An exploratory study* (Doctoral dissertation, University of Manitoba).
- Schmitt, D. P. (2004). Patterns and universals of mate poaching across 53 nations: The effects of sex, culture, and personality on romantically attracting another person’s partner. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 560-584.
- Shakelford TK & Buss DM, (1997), Susceptibility to infidelity in the first year of marriage, *Journal of Research in Personality* 31, 193-221
- Shakelford TK, Buss DM, & Weekes-Shakelford, VA. (2003). Wife killings committed in the context of a lover’s triangle. *Journal Basic Appl Soc Psych*; 25:137-143.
- Shackelford, T. K., Besser, A. & Goetz, A. T. (2008). Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. *Journal of Individual Differences Research*, 6, 13-25.
- Stefano, J.D., & Oala, M. (2008), Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *Journal of Counseling and Therapy for Couples and Families*,

Archive of SID

16(1):13-19.

- Sumner, C., Byers, A., Boochever, R., & Park, G. J. (2012). Predicting dark triad personality traits from twitter usage and a linguistic analysis of tweets. *In Machine Learning and Applications (icmla), 2012 11th international conference on* (Vol. 2, pp. 386-393). IEEE.
- Ulucinar, U., Akar, C., Demir, M., & Demirhan, G. (2012). An investigation on epistemological beliefs of university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 5133-5137.
- Visser, B. A., Pozzebon, J. A., Bogaert, A. F., & Ashton, M. C. (2010). Psychopathy, sexual behavior, and esteem: It's different for girls. *Personality and Individual Differences*, 48, 833-838.

